

درآمدی بر تحلیل محتوای مکتوبات انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران

غلامرضا محمدی مهر*

مجید توسلی رکن‌آبادی**

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی نوشتارهای انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران پرداخته شده است. هدف تحقیق شناسایی میزان رعایت اصول نقد و ارزیابی علمی در مقالات انتقادی است. روش تحقیق تحلیل محتوا و جامعه آماری آن ۱۲۳ مقاله، یعنی تمام مکتوبات انتقادی، است که در سه دهه گذشته در منابع مختلف به چاپ رسیده و برای پژوهش‌گران در دسترس بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در ۵۶/۷ درصد مقالات انتقادی هم به نقاط قوت و هم به نقاط ضعف آثار توجه شده است و در مابقی آن‌ها یا فقط نقاط قوت و یا صرفاً نقاط ضعف مورد توجه بوده است. در ۶۵/۸ درصد مقالات نیز بیش‌تر به نقد مؤلف (مثبت یا منفی) پرداخته شده است. همچنین فقط در ۱۴/۲ درصد مقالات برای رفع کاستی‌های مطالعات پیشنهاد و راه‌کار ارائه شده است. براین اساس می‌توان گفت تا رعایت شدن قواعد نقد علمی و بی‌طرفانه و پرهیز از قضاوت‌های جانب‌دارانه در نقد کتاب‌های مرتبط با تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و نیز در نقد سایر آثار هم‌چنان فاصله زیادی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نقد، نقد کتاب، نقد مؤلف، نقد ارزیابانه، تحلیل محتوا، مقالات انتقادی.

* دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، r43mehr@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، tavasoli@gmial.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

در این‌که نقد چیست و چگونه باید انجام شود تاکنون مطالب بسیاری به رشته تحریر درآمده است. نقد در نزد قدمای ما جداکردن سره از ناسره و بهین چیزی برگزیدن است (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۶۲). به تعبیری دیگر، سنجش و ارزیابی و بر مسند داوری نشستن است (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۲۲) و نباید به عیب‌جویی از آثار محدود شود. هم نقاط قوت را ببیند و هم متوجه نقاط ضعف باشد. نقد اثر باشد و از ویژگی‌ها و خصایص مؤلف چشم‌پوشی کند (اوجبی، ۱۳۸۹: ۴۷). در برخی گونه‌شناسی‌های مرسوم این برداشت از نقد کلاسیک تلقی می‌شود (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۳۲) و نقدهای معاصر در گونه مدرن و پست‌مدرن قرار می‌گیرند. در گونه‌های اخیر و به‌ویژه آنچه نام پساساختارگرا بر خود گرفته است نقد یک فرازبان است و هدف آن کشف حقایق نیست بلکه تنها با معتبر بودن سروکار دارد (بارت، ۱۳۹۵: ۵). فراتر از این، و در یک تعبیر فلسفی منتسب به فوکو، «در نقد چیزی هست که به فضیلت شبیه است» (فوکو، ۱۳۹۳: ۲۶۹) و نقد آن جنبشی است که سوژه این حق را به خود می‌دهد که حقیقت و قدرت را به پرسش گیرد (همان: ۲۷۵). علاوه بر جنبه‌های ایجابی، جنبه سلبی نقد غیرایدئولوژیک بودن آن است. در این‌جا نقد روشن‌گر و رهایی‌بخش در برابر نقد ایدئولوژیک می‌نشیند که «بیش‌تر پنهان‌کننده و تاریک‌کننده است تا آشکارساز» (بلزی، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

نگاهی اجمالی به تقریرات پیش‌گفته و مطالب فراوان دیگری که درباره نقد به رشته تحریر درآمده است (پرهام، ۱۳۸۶؛ اوجبی، ۱۳۸۹؛ شریعتمداری، ۱۳۸۶؛ خندان، ۱۳۹۵ و ...) نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در نوع دیدگاه‌ها گونه‌شناسی‌های متنوع درباره نقد، به اصول عام و اساسی یکسانی اذعان دارند و گرچه قالب‌های بیانی آن‌ها متفاوت است اما از مضامین یکسانی برخوردارند. سازندگی و روشنگری نقد و این‌که منتقد به نقاط قوت و کاستی‌های متن یکسان توجه کند و بر موضوع مورد نقد اشراف کامل داشته باشد از جمله این اصول است. در واقع این اصول هم‌چون ستون‌های اصلی نقد هستند که خیمه نقد بر آن‌ها بنا می‌شود و نقد بدون در نظر گرفتن آن چیزی جز خرده‌گیری و تخریب نیست.

در چند دهه اخیر هم‌زمان با تولید انفجاری و تصاعدی تألیفات در حوزه علوم اجتماعی، به طور کلی، نقد آثار مذکور هم رواج پیدا کرده و صاحب‌نظران در قالب مقاله، کتاب، مصاحبه، و نشست‌های تخصصی کتاب‌های منتشر شده را نقادی می‌کنند. یکی از

حوزه‌هایی که با نقد فراوان مواجه شده آثاری است که به نظریه‌پردازی در خصوص مسائل و تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره معاصر پرداخته‌اند و هریک از منظر متفاوت، چستی و چرایی دگرگونی‌ها را تبیین و تحلیل کرده‌اند.

اغلب اندیشمندان ایرانی بر این اعتقادند که نقدهای مذکور در مدح یا ذم یک اثر خلاصه می‌شود و غالباً مسائل شخصی در آن برجسته است (جهانگلو، ۱۳۸۹: ۵۹) و منقد به‌جای به‌رسمیت‌شناختن یک اثر سعی می‌کند تا آن را از میدان به‌در برد. این‌که در نقد مکتوبات سیاسی - اجتماعی تاچه‌حد اصول اساسی نقد رعایت می‌شود نیاز به تحقیق دارد. این تحقیق با هدف شناسایی این مهم به‌انجام رسیده است. در این رابطه سؤال اصلی تحقیق این است که در مکتوبات انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران، اصول اساسی نقد تا چه‌حد رعایت شده است؟

شایان ذکر است که این تحقیق، به‌عنوان یک پژوهش پنهانگر، از وضعیت نقدهای پیش - گفته تصویری کلی و البته کمی به‌دست می‌دهد و ادعای آن را ندارد که به‌طور دقیق و همه‌جانبه نقدهای مذکور را واکاوی می‌کند. نکته دیگر این‌که برخی از نوشتارهای انتقادی حجم نمونه (۱۲۳ نوشتار) فراتر از مسائل سیاسی - اجتماعی ایران است و دیگر حوزه‌های علوم انسانی را نیز دربرمی‌گیرد.

۲. هدف تحقیق

شناخت میزان هم‌خوانی نقدهای نوشته‌شده بر آثار منتشرشده درباره مسائل سیاسی - اجتماعی ایران با اصول کلی و اساسی نقد.

۳. پیشینه تحقیق

درباره موضوع تحقیق حاضر تاکنون پژوهشی روشمند انجام نشده است. تنها در سال ۱۳۸۹ به‌کوشش خانه کتاب سؤالی از ۸۴ تن از اندیشمندان ایرانی درباره وضعیت نقد کتاب در ایران پرسیده شد و پاسخ‌های آن در مجموعه‌ای با عنوان *نقد نقد* انتشار یافت. اکثر مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند که نقدهای ما عموماً جانب‌دارانه است؛ یا تمرکز به‌تنهایی بر نقاط ضعف و کاستی‌ها و کژی‌های آثار است و یا بر نقاط قوت آن. ازسوی دیگر، در بسیاری از مقالات انتقادی به‌جای نقد اثر به نقد مؤلف پرداخته می‌شود؛ یا تعریف و تمجید صددرصد بدون منطق و استدلال است یا دشنام و ناسزاگویی به

نویسنده. این است که مقالات انتقادی به جای این که گامی در اصلاح و تکمیل آثار باشد به ایرادگیری و بهانه‌جویی منتهی می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹). در میان مصاحبه‌شوندگان نام‌های رامین جهاننگلو، هوشنگ دولت‌آبادی، صادق زیباکلام، ضیاء موحد، کوروش صفوی و بهاء‌الدین خرمشاهی به چشم می‌خورد. در این مصاحبه‌ها از هیچ نقدی نام برده نشده و قضاوت‌ها کلی است. نتایج این پژوهش صحت و سقم این داوری‌ها را نشان خواهد داد.

در مجموعه مفصل دیگری با عنوان کتاب نقد و نقد کتاب، آیین و ضرورت‌های نقد کتاب بررسی شده است. در یکی از گفتارهای این مجموعه، به قلم سیروس پرهام، درباره وضعیت نقد کتاب در ایران می‌خوانیم:

انتقاد کتاب در ایران با این تصور نادرست پدید آمد که 'انتقاد' نقطه مقابل 'تقریظ' است؛ یا باید از یک اثر ادبی انتقاد کرد (بر آن تاخت) و یا باید آن را مورد ستایش و تمجید قرار داد (تقریظ کرد). هدف اصلی نقد کتاب یا خرده‌گیری و بدگویی و عیب‌جویی بود یا مدح و ستایش و مدافعت؛ بی آن که هیچ‌یک از این دو شیوه به‌نحو تحلیلی و علمی با یک‌دیگر آمیخته باشد (پرهام، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۴۹).

علاوه بر این، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از سال‌ها پیش، شورایی را با عنوان «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» با در اختیار داشتن ۱۳ گروه تخصصی تأسیس نموده است که به صورت نظام‌مند و علمی به نقد آثار منتشرشده در رشته‌های مختلف علوم انسانی می‌پردازد (توسلی و نجف‌زاده، ۱۳۹۰: ۷). در کنار آن، سامانه‌ای با عنوان سامانه «نقد نقد» در این پژوهشگاه راه‌اندازی شده تا آثار نقدشده توسط گروه‌های تخصصی مورد نقد مجدد همه اساتید، دانشجویان، و پژوهش‌گران قرار گیرد (www.shmoton.ir).

۴. مبانی نظری

با توجه به آنچه در مقدمه ذکر شد و نیز با توجه به کاربردی بودن این تحقیق، هدف از بیان مبانی نظری واکاوی ریشه‌های فلسفی و نظری نقد و مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف نیست بلکه بیش‌تر فراهم کردن چارچوب مفهومی و ساختن پشتوانه‌ای نظری برای شاخص‌ها و متغیرهای این پژوهش مدنظر بوده است. بنابراین در این قسمت سعی می‌شود از خلال نظریات قدیم و جدید و یا کلاسیک و معاصر، جان‌مایه و اصول کلی نقد ترسیم شود.

در میان اندیشمندان ایرانی، عبدالحسین زرین‌کوب برای اولین بار در اثر خود با عنوان *آشنایی با نقد ادبی*، به‌طور مبسوط و مستقل به بررسی نقد ادبی می‌پردازد که بخش‌های ابتدایی آن به نقد اختصاص دارد. وی در تعریف نقد می‌نویسد:

کلمه نقد خود در لغت به معنی 'بهین چیزی برگزیدن' و نظرکردن است در دراهم تا در آن، به قول اهل لغت، سره را از ناسره بازشناسند. معنی عیب‌جویی نیز که از لوازم 'به‌گزینی' است ظاهراً هم از قدیم در اصل کلمه بوده است و به‌هرحال از دیرباز این کلمه در فارسی و تازی، بر وجه مجاز، درمورد شناخت محاسن و معایب کلام به‌کار رفته است. چنان‌که آن لفظی هم که امروز در ادب اروپایی جهت همین معنی به‌کار می‌رود، دراصل به‌معنی رای‌زدن و داوری کردن است. لفظ critique فرانسوی (معادل با انگلیسی critic و آلمانی kritik) از ریشه یونانی krinein آمده است به‌معنی قضاوت و داوری؛ و شک نیست که رای‌زدن و داوری‌کردن درباره امور و شناخت نیک و بد و سره و ناسره آن‌ها، مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۲۲).

زرین‌کوب در تقریرات دیگر خود بر معرفت درست و دقیق در نقد تأکید دارد و درباره ویژگی‌های منتقد می‌نویسد:

نقاد آثار ادبی، کارش عبارت از این است که بین نویسنده با خواننده عادی واسطه شود و لطایف و دقایق را که در آثار ادبی هست و عامه مردم را اگر کسی توجه ندهد، بسا که از آن غافل و بی‌نصیب بمانند معلوم کند و آن‌ها را بدان لطایف و بدایع متوجه نماید و اگر هم معایب و نقایصی در آن آثار هست که عامه اکثراً ملتفت آن‌ها نیستند ... اما البته توقع و انتظار چنین کاری را از نقد ادبی داشتن، لازمه‌اش این است که نقاد و منتقد مقامی نظیر مقام مربی و استاد و مرشد کامل داشته باشد و این مقام را اکثر منتقدان خود ادعا ندارند و ارباب هنر نیز آن‌ها را غالباً درخور چنین مزیتی نمی‌شمارند (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۲۷۰).

نوئل کارول در اثر خود با عنوان *درباره نقد* با ریشه‌یابی اصطلاح نقد به تعریف آن می‌پردازد. وی می‌نویسد:

اصطلاح منتقد (critic) از واژه یونانی kritikos (کسی از هیئت داوران که حکم را اعلام می‌کند) اشتقاق یافته است. برخلاف برخی کاربردهای روزمره واژه نقد (criticism) در زبان انگلیسی، مفهوم منتقد، درمقام کسی که حکمی اعلام می‌کند، لازم نیست تنگ‌نظرانه منحصراً بر مبنای حکمی سلبی تفسیر شود. بر همین قیاس، منتقد هنر، در

معنای مرتبط، می‌تواند نقدی سازنده یا مخرب داشته باشد. با آن‌که ممکن است در کلام متعارف گرایش بیش‌تری باشد که نقد را به چیزی سلبی یا منفی ارتباط دهند (کارول، ۱۳۹۵: ۲۰).

کارول در جمع‌بندی خود تأکید می‌کند که نقد فقط یافتن ارزش‌ها نیست و شناسایی کاستی‌ها را نیز مدنظر دارد:

نقد اولاً و بالذات متعهد به کشف و روشن‌ساختن ارزش‌های نهفته در آثار هنری است. قصدم آن نیست که تلویحاً بگویم نقد کاری به شناسایی کاستی و فروماپیگی در آثار هنری ندارد، اما بر این باورم که این کار از متمایز ساختن آن‌چه ارزشمند است تکلیف خردتری است. ... بی‌درنگ این نکته را بیفزایم که من نمی‌گویم ذکر کاستی‌ها خارج از حدود نقد است بلکه فقط می‌گویم که این غایت اصلی خواستمان در نقد نیست. ... ادعا می‌کنم کار اصلی نقد عبارت است از کشف آن‌چه در اثر یا مجموعه آثاری هنری ارزشمند است (همان: ۵۳).

وی نقد را دارای شش جزء می‌داند که عبارت‌اند از وصف، دسته‌بندی، بررسی زمینه‌پیدایش اثر، تبیین، تفسیر، تحلیل، و ارزیابی. کارول تأکید می‌کند که بایستی در هر نقد این ابزار شش‌گانه به کار گرفته شود. به‌زعم او:

شش روش نخست نوعاً هم‌چون زمینه‌های ارزیابی عمل می‌کنند، اما لازم نیست که نمونه‌ای از نقد به‌معنای درست آن همه این اعمال را دربرداشته باشد. نمونه‌ای از نقد باید دست‌کم حاوی یکی از شش عمل نخست و البته افزون‌بر آن، صورتی از ارزیابی خواه ضمنی و خواه صریح باشد (همان: ۹۴-۹۳).

از نقد تعریف و تعبیر دیگری وجود دارد که بیش از این‌که مرتبط با منطق و روش‌شناسی نقد باشد مرتبط با فلسفه نقد است؛ این تعبیر از فوکو است. وی در مقاله معروف خود با عنوان «نقد چیست؟»، در تعریف اولیه‌ای نقد را این‌گونه تعریف می‌کند: «هنر آن‌قدرها حکومت‌نشدن» (فوکو، ۱۳۹۳: ۲۷۲). در تشریح این معنا از نقد وی به طرح تاریخی آن می‌پردازد؛ طرحی که با اولیای کلیسا ارتباط پیدا می‌کند. اربابان کلیسا از همه‌کس و همه‌چیز هنر حکومت‌شدن و پیروی برای رسیدن به رستگاری را طلب می‌کردند. در این رابطه نقد حتی پیش از اصلاح مذهبی خود را نشان داد و در پی هنر حکومت‌نشدن در برابر کلیسا یا تحت حاکمیت کلیسا واقع‌نشدن بود. این نخستین لنگرگاه برای تشریح نقد است. دومین لنگرگاه خواست حکومت‌نشدن در مقابل حاکمیت است که جنبه حقوقی پیدا می‌کند و

مرتبط با حقوق طبیعی است. و سرانجام خواست حکومت‌نشدن این است که آن‌چه را که یک اقتدار به شما می‌گوید حقیقت است، به‌منزله حقیقت نپذیرید و این‌بار لنگرگاه نقد در مسئله یقین و صحت در برابر اقتدار است (همان: ۲۷۳). بنابراین می‌توان گفت نقد آن جنبشی است که در آن، سوژه این حق را به خود می‌دهد که حقیقت و قدرت را به پرسش گیرد. پس نقد هنر نافرمانی اختیاری است، هنر سرکشی فکورانه است. به‌زعم فوکو، در واقع این شبیه تعریفی است که کانت از روشن‌گری ارائه می‌دهد. شعار روشن‌گری از نظر کانت این بود: «شجاع باش و بدان.» روشن‌گری در مقابل چیزی قرار می‌گیرد با عنوان عدم بلوغ؛ نوعی ناتوانی که بشریت در آن ننگه داشته می‌شود؛ ناتوانی در به‌خدمت‌گرفتن فهم خود. روشن‌گری این عدم بلوغ را از میان برمی‌دارد و انسان‌ها را به بلوغ می‌رساند (همان: ۲۷۵-۲۷۷).

مصطفی‌ذاکری ضمن تقسیم نقد به دو گونه سازنده و مخرب، ویژگی‌های هریک را برمی‌شمارد:

نقد سازنده هدفش برطرف‌کردن اشکالات و راهنمایی نویسدگان و درست‌اندیشی و درست‌نویسی است و به نویسنده اثر و جنبه‌های خوب و بد زندگی او کاری ندارد مگر آن‌که آن جنبه‌ها در نوشته او نمود پیدا کرده باشد. زیرا که به‌فرموده قرآن کریم 'کل يعمل علی شاکلته' (اسراء: ۸۴) یعنی 'هرکس بر [طبق] طینت خود [رفتار] می‌کند.' اما نقد مخرب درست برعکس نقد سازنده است و هدف آن خراب‌کردن نویسنده و بی‌اعتبار کردن اوست، نه نشان‌دادن ضعف‌ها و کمبودهای اثر او که حتی اگر چنین هم باشد کافی نیست؛ زیرا که نقد درست باید هم محاسن را نشان دهد و هم عیب‌ها را؛ نه آن‌که منحصر باشد به نشان‌دادن عیب‌های واقعی یا خیالی. هدف ناقد مخرب به‌اصطلاح زدن پنبه نویسنده است یعنی ازسکه‌انداختن او. این مبتنی بر غرض‌ورزی است و این نقد را مغرضانه می‌نامند در مقابل نقد منصفانه (ذاکری، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

حسین حسینی هم نقد را تحلیل امتیازات و کاستی‌های یک دیدگاه و همچنین بررسی، تحلیل، و ارزیابی علمی نقاط قوت و ضعف یک موضوع در ابعاد شکلی و محتوایی آن با توجه به معیارهای علمی موردنظر می‌داند (حسینی، ۱۳۹۲: ۴).

برخی اندیشمندان هم چون فردر وگلمان (F. Vogelmann) نظریه انتقادی فوکو را در گونه‌نقدهای رهایی‌بخش قرار می‌دهند و برخی دیگر این‌گونه نقد را نقد ایدئولوژی ریموندگس (R. Geuss) می‌دانند (Vogelmann, 2010: 4).

به‌طور کلی در نقد رهایی‌بخش نقد دقیقاً عملی است آزادی‌بخش؛ آزادکردن ما از چنگ آن‌چه تقدش می‌کنیم. در نظریه منتسب به گس این ایده که نظریه انتقادی مخاطبانش را از

اسارت ایدئولوژیک رهایی می‌بخشد به‌خوبی پرداخته می‌شود. در این جا ایدئولوژی در مقام آگاهی کاذب است و نقد افراد را از آگاهی کاذبشان رها می‌کند (Ibid: 4).

دیدگاه دیگری از نقد که آن را نیز می‌توان در زمره دیدگاه‌های معاصر قلمداد کرد نظر محمدرضا تاجیک است. وی در درس‌گفتارهایی در این باره ابتدا به تشریح وضعیت نابه‌سامان نقد در ایران می‌پردازد و سپس اصولی چند درباره نقد را بیان می‌کند. خلاصه و اهم مباحث تاجیک بدین شرح است:

نقد، تفکر درباره تفکر است و بر این اساس هر نقدی برای نقدهای دیگر گشوده است. موضوع با نقد آفریده می‌شود. موضوع نفی نمی‌شود بلکه متن در نقد شکوفا می‌شود. معناهای نهفته درون متن را آشکار کرده و باعث غنای متن می‌شود. نقاد از رهگذر نقد یک نوع خودابداعی دارد و خود را می‌آفریند. بیش و پیش از این که دغدغه آفرینش دیگران را داشته باشد از رهگذر نقد خود را می‌آفریند. نقاد سخن دیگری را به رسمیت می‌شناسد. با هدف عیب‌جویی وارد نمی‌شود. نقد چیزی به متن افزودن است. در نقد وجوه و گزاره‌هایی در متن که حاشیه‌نشین و بی‌صدا شده‌اند به صدا درمی‌آیند. به‌طور عامیانه، ما از نقد سازنده صحبت می‌کنیم که معنای آن همین است. وقتی با نقد وارد عمارت دیگران می‌شویم، هدفمان نباید تخریب باشد. هدف افزودن به استقامت و زیبایی متن است. هیچ متنی عاری از حقیقت نیست و هیچ متنی هم نیست که مدعی حقیقت و واقعیت مطلق باشد. هیچ متنی حامل باطل مطلق نیست. متون هر کدام واقعیت‌هایی را انعکاس می‌دهند. مهم این است که حقیقت‌های نهفته در متن پذیرفته شود (تاجیک، ۱۳۹۴). وی، به نقل از فوکو، نقد را فضیلت می‌داند. فضیلتی که عده کمی آن را دارند. این فضیلت، مسئولیت می‌آورد. بدین معنی که ناقد هوس نقد ندارد. نقاد مانند انسان فلسفی کانت است که از این فضیلت برخوردار است که خود را مورد انتقاد قرار دهد. نقاد مانند سوژه فوکویی است و از استعداد تبدیل خودش به عامل خودآیین برخوردار است. عامل خودآیینی که مزین به اخلاق است. به نظر تاجیک چنین نقدی با نقد کلاسیک ما که جداسازی سره از ناسره است متمایز می‌شود. ورود به معنای نقد با این نگاه دوانگار (تفکیک سره از ناسره) به رد یک طرف و تثبیت طرف دیگر می‌انجامد، در حالی که نقد در ادبیات معاصر کنار هم نشان دادن سره از ناسره است. سره و ناسره متن در کنار هم دیده می‌شوند. در واقع نقد یعنی دیدن نقاط قوت و نقاط ضعف. توأمان سلب و ایجاب کردن است. نقد چهره پرومته‌ای دارد (همان). البته باید خاطر نشان کرد که تفکیک سره از ناسره نوعی تشخیص و تمایز است و جنبه معرفتی دارد و به حاشیه‌راندن و نادیده گرفتن طرف مقابل از آن مستفاد نمی‌شود.

در جمع‌بندی از دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر اندیشمندان درباره نقد می‌توان گفت هم قدمای ما و هم متفکران متأخر درباره اصول کلی و اساسی نقد اشتراک نظر دارند. این اصول را می‌توان بدین شرح برشمرد:

۱. نقد فضیلتی است که مستلزم معرفت درست و دقیق امور است و منتقد هم‌چون استاد و مربی باید واجد آن باشد.
۲. نقد در عیب‌جویی آثار خلاصه نمی‌شود و هم‌زمان به نقاط قوت و ضعف اثر می‌پردازد.
۳. نقد توهین و هتاکی به مؤلف و از میدان‌به‌درکردن وی نیست، بنابراین حرمت مؤلف باید رعایت شود.
۴. نقد سازنده است و جنبه تخریبی ندارد و برای ارتقای اثر چاره‌جویی می‌کند.

برای عملیاتی‌شدن اصول یادشده چند متغیر به شرح زیر طراحی و در مکتوبات انتقادی بررسی شدند: مشخصات علمی منتقد و استناد به منابع معتبر برای اصل اول، پرداختن به نقاط قوت و ضعف آثار برای اصل دوم، ارزیابی و نقد مؤلفان برای اصل سوم، و پیشنهاد رفع نواقص کتاب برای اصل چهارم. برای پرهیز از اطاله کلام، از ذکر تعریف عملیاتی متغیرها پرهیز شده است. مصادیق هر متغیر در جداول درج شده است.

۵. تعریف مفاهیم

مکتوبات انتقادی: منظور از مکتوبات مطالبی است که منتقدان در قالب مقالات علمی - پژوهشی، مقالات ژورنالیستی و سایت‌های اینترنتی به چاپ رسانده‌اند و در آن به نقد یک یا چند اثر از یک مؤلف پرداخته‌اند.

مسائل سیاسی - اجتماعی: برای تعریف این مفهوم ابتدا لازم است تعریف مسئله مشخص شود:

مسئله عبارت است از ظهور عاملی طبیعی، انسانی، یا اجتماعی به معنای عام آن که با برهم‌زدن وضع موجود همراه است. کشف و تشخیص مسئله به‌مثابه کشف و تشخیص عامل یا عواملی است که تعادل، تناسب، و سازگاری میان اجزا و عناصر یک وضعیت طبیعی یا اجتماعی را برهم زده و به ظهور یک مشکل و معضل منجر شده است (منصوربخت، ۱۳۸۷: ۲۲).

بنابراین مسائل سیاسی - اجتماعی عوامل نوظهوری هستند که در عرصه سیاست و اجتماع، وضع موجود را برهم زده و باعث تغییر و دگرگونی می‌شوند. براین اساس در این تحقیق مکتوبات و نوشتارهایی بررسی شده‌اند که در آنها آثار مرتبط با تحولات و دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی ایران نقد شده‌اند. گفتنی است که به لحاظ آکادمیک این مکتوبات عمدتاً در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و توسعه سیاسی ایران قرار می‌گیرند.

روش تحقیق: در این تحقیق از روش «تحلیل محتوا» استفاده شده است. تحلیل محتوا آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که طی آن، ارزش‌های عددی براساس قوانین معتبر اندازه‌گیری به متن نسبت داده می‌شوند. این عمل برای توصیف محتوای ارتباطات، استخراج نتیجه درباره معنی آن، یا پی‌بردن به بافت و زمینه ارتباط صورت می‌گیرد (رایف، ۱۳۸۱: ۲۵). براین اساس، هریک از نقدهای نوشته‌شده به‌عنوان نمادی ارتباطی که محتوا و پیامی را از تولیدکننده (نقدنویس) به مخاطبین انتقال می‌دهند در نظر گرفته شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

واحد تحلیل و واحد ثبت پژوهش هم هریک از نقدهایی است که منتقدان بر آثار موردبررسی نوشته‌اند.

جامعه آماری،^۱ حجم نمونه، و شیوه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات: در این پژوهش جامعه آماری شامل تمام نقدهایی است که از سوی صاحب‌نظران ایرانی بر آثار مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران طی سه دهه گذشته (دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰) نوشته شده است. این نقدها عموماً در نشریات زیر به چاپ رسیده‌اند: *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، *تاریخ معاصر ایران*، *فصل‌نامه سیاست*، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، *فصل‌نامه دانش سیاسی*، *مجله چشم‌انداز ایران*، *جستارهای سیاسی معاصر*، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، *نقدنامه علوم اجتماعی*، *جهان کتاب*، *جامعه‌شناسی ایران*، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، *نقدنامه تاریخ*، *نقد و نظریه ادبی*، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، *مطالعات راهبردی*، *فصل‌نامه نقد و نظر*، و *مطالعات خاورمیانه*. در این میان، تقریباً تمام نقدهای مرتبط با موضوع این نوشتار از فصل‌نامه *نقد کتاب* در جامعه آماری پژوهش قرار گرفته‌اند. این فصل‌نامه قبلاً با عنوان *کتاب ماه* منتشر می‌شده است و در این ارتباط، تمام نقدهای مرتبط از *کتاب ماه علوم اجتماعی* هم انتخاب شده‌اند. شایان ذکر است که نقد کتاب‌های مرتبط با انقلاب اسلامی و هم‌چنین نقد کتاب‌هایی که جنبه تاریخی داشته‌اند، در جامعه آماری این تحقیق قرار نگرفته‌اند. جامعه آماری تحقیق به تفکیک نام نوشتار، نام نویسنده، و محل انتشار در پیوست آمده است.

اطلاعات این تحقیق با استفاده از دستورالعمل کدگذاری جمع‌آوری شده است. به این ترتیب که هریک از نقدها خوانده شده و اطلاعات آن براساس دستورالعمل کدگذاری در برگه‌های کدگذاری وارد شده است. سپس اطلاعات به دست آمده وارد کامپیوتر شده و از طریق نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شده است. حاصل پردازش در جدول توزیع فراوانی ترسیم و توصیف و تحلیل شده‌اند.

ضریب قابلیت اعتماد: به منظور محاسبه پایایی، تقریباً ۱۵ درصد از حجم نمونه (۲۰ مقاله) انتخاب شده و سه متغیر پرداختن به انسجام بخش‌های مختلف کتاب مورد نقد، پرداختن به نقاط قوت و ضعف کتاب، و ارزیابی عملکرد و خصوصیات مؤلف کتاب، مجدداً کدگذاری شدند. میزان عدم توافق دو کدگذاری محاسبه شد و در فرمول اسکات قرار گرفت. رقم به دست آمده ۹۷٪ است که نشان‌دهنده پایایی این تحقیق است. حداقل رقمی که پایایی تحقیق را تأیید می‌کند، رقم ۷۰٪ است (بدیعی، ۱۳۷۵: ۳۰).

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶ مشخصات علمی منتقد

جدول ۱ مشخصات علمی منتقدان را نشان می‌دهد. براین اساس، ۳۴/۲ درصد منتقدان عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه، ۱۷ درصد دکترای علوم سیاسی و ۱۳ درصد دانشجوی دکتری بوده‌اند. فراوانی و درصد نام و مشخصات ۱۶/۳ درصد منتقدان هم ذکر نشده است. سایر افراد نقدکننده در جدول زیر درج شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی مقالات انتقادی برحسب مشخصات علمی منتقد

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه	۴۲	۳۴/۲
دکترای علوم سیاسی	۲۱	۱۷
دانشجوی دکتری	۱۶	۱۳
کارشناس ارشد و دانشجوی کارشناسی ارشد	۱۰	۸/۱
پژوهش‌گر	۱۴	۱۱/۴
نامشخص (نام منتقد درج نشده است)	۲۰	۱۶/۳
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۷. محل نشر مقالات انتقادی

جدول ۲ محل انتشار مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. براین اساس، ۵۰/۴ درصد مقالات در مجلات تخصصی نقد کتاب، ۲۱/۱ درصد در مطبوعات و کتاب‌ها و سایت‌های اینترنتی، ۱۶/۳ درصد در مجلات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی، و ۱۲/۲ درصد در مجلات عمومی منتشر شده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی مقالات انتقادی برحسب محل نشر مقاله انتقادی

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
مجلات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی	۲۰	۱۶/۳
مجلات تخصصی نقد کتاب	۶۲	۵۰/۴
مطبوعات، کتاب‌ها، و سایت‌های اینترنتی	۲۶	۲۱/۱
مجلات عمومی	۱۵	۱۲/۲
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۸. پرداختن به نقاط قوت و ضعف کتاب موردنقد

جدول ۳ میزان پرداختن به نقاط قوت و ضعف کتاب موردنقد در مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. براین اساس، در ۵۶/۹ درصد مقالات انتقادی هم به نقاط قوت و هم به نقاط ضعف کتاب‌ها پرداخته شده و در ۳۰ درصد فقط نقاط ضعف و کاستی‌های کتاب‌های موردنقد بررسی شده است. با احتساب دو مقوله دیگر (برشمردن نقاط مثبت و نپرداختن به هیچ کدام) در ۴۳/۱ درصد مقالات نقاط ضعف و قوت به یکسان موردتوجه نبوده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی مقالات انتقادی برحسب پرداختن به نقاط قوت و ضعف کتاب موردنقد

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف کتاب بررسی شده است	۷۰	۵۶/۹
فقط نقاط ضعف و کاستی‌های کتاب برشمرده شده است	۳۷	۳۰
فقط نقاط مثبت کتاب برشمرده شده است	۷	۵/۷
به هیچ کدام پرداخته نشده است	۹	۷/۴
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۹. پیش‌نهاد برای رفع نواقص کتاب‌های موردنقد

جدول ۴ ارائه پیش‌نهاد برای رفع نواقص کتاب‌های موردنقد در مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. براین اساس، در ۸۴/۵ درصد مقالات انتقادی هیچ پیش‌نهادی برای رفع نواقص کتاب موردنقد ارائه نشده و فقط در ۱۵/۵ درصد مقالات رفع اشکال‌ها و نواقص کتاب‌های نقدشده مورد توجه منتقدان بوده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی مقالات انتقادی
برحسب ارائه پیش‌نهاد برای رفع نواقص کتاب موردنقد

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
ارائه نمی‌شود	۱۰۴	۸۴/۵
ارائه می‌شود	۹	۱۵/۵
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۱۰. ارزیابی و نقد مؤلفان کتاب‌ها

جدول ۵ ارزیابی عملکرد و خصوصیات مؤلفان کتاب‌های موردنقد در مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. به‌طور کلی در ۶۵/۱ درصد مقالات انتقادی مؤلفان کتاب‌ها مورد نقد قرار گرفته و در ۳۴/۹ درصد مؤلف نقد نشده است. نوع نقد مؤلف در جدول زیر مندرج است.

جدول ۵. توزیع فراوانی مقالات انتقادی
برحسب ارزیابی عملکرد و خصوصیات مؤلف کتاب موردنقد

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
مؤلف نقد نشده است	۴۳	۳۴/۹
از مؤلف تعریف و تمجید شده است	۲۲	۱۷/۸
از مؤلف انتقاد شده است و ضعف‌های او را برشمرده‌اند	۲۲	۱۷/۸
به مؤلف توهین شده است	۶	۴/۹
هم تعریف و تمجید و هم انتقاد شده است	۳۰	۲۴/۶
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۱۱. استناد به منابع معتبر در مقالات انتقادی

جدول ۶ استناد به منابع معتبر در مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. براین اساس، در ۶۹/۱ درصد مقالات انتقادی در نقد کتاب‌ها به هیچ منبعی استناد نشده است و در ۳۰/۹ درصد مقالات به منابع استناد شده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی مقالات انتقادی
برحسب استناد به منابع معتبر در نقد کتاب

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
بدون استناد	۸۵	۶۹/۱
استناد می‌شود	۳۸	۳۰/۹
جمع	۱۲۳	۱۰۰

۱۲. سطح تحصیلات منتقد، نقد مؤلف یا اثر، و تمرکز بر نقاط ضعف یا قوت آثار

جدول ۷ ارتباط و تفاوت بین سطح تحصیلات منتقدان و کیفیت نقد شدن مؤلف یا اثر وی را نشان می‌دهد. براین اساس، ۷۰/۷ درصد از مقالاتی را که در آن مؤلف نقد نشده است اعضای هیأت علمی و اساتید دانشگاه و ۲۹/۳ درصد آن را رده‌های پایین‌تر تحصیلی نوشته‌اند. ۵۹/۵ درصد از مقالات انتقادی را که به نقد مؤلفان پرداخته‌اند اعضای هیأت علمی و اساتید دانشگاه و ۴۰/۵ درصد را رده‌های تحصیلی پایین نوشته‌اند. هم‌چنین رابطه و تفاوت بین متغیرهای سطح تحصیلات منتقدان و تمرکز بر نقاط ضعف یا قوت آثار در جدول زیر ملاحظه می‌شود.

نگاهی به یافته‌های جدول، تفاوت قابل ملاحظه‌ای را در ارتباط بین متغیرها نشان نمی‌دهد. بدین معنی که مقالات انتقادی متعادل (توجه به نقاط قوت و ضعف به‌طور یکسان) و مقالات انتقادی غیرمتعادل (یا نقاط قوت یا نقاط ضعف) را هم افراد متخصص (اعضای هیأت علمی و اساتید دانشگاه) و هم افراد با سطح تحصیلی پایین تقریباً به یکسان نوشته‌اند.

جدول ۷. توزیع فراوانی مقالات انتقادی
برحسب سطح تحصيلات منتقد، نقد مؤلف یا اثر، و تمرکز بر نقاط ضعف یا قوت آثار

کل	یا نقاط قوت یا نقاط ضعف یا هیچ‌کدام	هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف کتاب بررسی شده است	مؤلف نقد (مثبت و منفی) شده است	مؤلف نقد نشده است	نقد مؤلف یا اثر	
					سطح تحصيلات منتقدان	
۶۴/۲	۶۳/۵	۶۳/۲	۵۹/۵	۷۰/۷	عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه دکترای علوم سیاسی و دانشجوی دکتری	
۳۵/۸	۳۶/۸	۳۸/۸	۴۰/۵	۲۹/۳	کارشناسی ارشد، دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهش‌گر و بدون نام منتقد	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۱۲۳	۵۳	۷۰	۸۰	۴۳	فراوانی	

۱۳. دهه انتشار، نقد مؤلف یا اثر، و پرداختن به نقاط قوت و ضعف

جدول ۸ دهه انتشار مقالات انتقادی و نقد مؤلف یا اثر را نشان می‌دهد. براین اساس، در دهه اول میزان نقد مؤلف (۸/۹ درصد) بیش از نقدنشدن مؤلف (۴/۹ درصد) در مقالات انتقادی بوده است.

در دهه دوم تفاوت میزان مقالات انتقادی که در آن مؤلف نقد شده و مقالاتی که به نقد مؤلف پرداخته‌اند چندان قابل توجه نبوده است (۵۸/۵ درصد در مقابل ۵۴/۴ درصد). این در حالی است که در دهه سوم میزان هر دو نوع مقالات کاملاً یکسان بوده است.

هم‌چنین جدول زیر میزان پرداختن به نقاط قوت و ضعف آثار موردنقد در مقالات انتقادی را نشان می‌دهد. براین اساس، هم در دهه سوم و هم در دهه دوم پرداختن هم‌زمان به نقاط قوت و ضعف کتاب‌ها بیش از نقدهای نامتعادل (پرداختن به نقاط قوت یا ضعف به تنهایی) بوده است. درحالی‌که در دهه سوم، میزان نقدهای نامتعادل (پرداختن به نقاط قوت یا ضعف به تنهایی) بیش از نقدهای متعادل بوده است (۴۴/۳ درصد در مقابل ۳۰/۹ درصد).

جدول ۸. توزیع فراوانی مقالات انتقادی
برحسب دهه انتشار مقالات، نقد مؤلف یا اثر، و پرداختن به نقاط قوت و ضعف مقالات

کل	یا نقاط قوت یا نقاط ضعف یا هیچ کدام	هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف کتاب بررسی شده است	مؤلف نقد شده است	مؤلف نقد نشده است	تمرکز بر نقاط ضعف یا قوت دهه انتشار مقالات	
					درصد	فراوانی
۷/۵	۳/۸	۱۰/۳	۸/۹	۴/۹	دهه اول (از سال ۶۶ تا ۷۵)	
۵۵/۸	۵۱/۹	۵۸/۸	۵۴/۴	۵۸/۵	دهه دوم (از سال ۷۶ تا ۸۵)	
۳۶۷	۴۴/۳	۳۰/۹	۳۶۷	۳۶۶	دهه سوم (از سال ۸۶ تا ۹۵)	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع	
۱۲۳	۵۳	۷۰	۸۰	۴۳	فراوانی	

۱۴. نتیجه گیری

جان مایه نقد، به تعبیر غالب اندیشمندان قدیم و جدید، داوری و نشستن بر مسند قضاوت است و این تعبیر هم مترادف با ریشه لغوی نقد است و هم با گونه‌ای شاخص از نقد یعنی نقد ارزیابانه هم‌خوانی دارد. به‌طور قطع، کسی که بر مسند نقد تکیه می‌زند دانش و شایستگی لازم را احراز کرده و در نقد آثار نقاط قوت و ضعف را در کنار هم می‌بیند. از خرده‌گیری و ایراد توهین و اتهام به مؤلف خودداری کرده و هدفش تخریب متن و به‌حاشیه‌راندن آن نیست بلکه رفع کاستی‌ها و تقویت و غنابخشیدن به آن را نیز مدنظر دارد. در دهه‌های اخیر، نقد کتاب‌های مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران رو به فزونی نهاده است و پس از انتشار هر کتابی، منتقدان به نقد آن همت می‌گمارند. در نوشتار حاضر به بررسی محتوایی نقدهای پیش‌گفته پرداخته شده است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بیش از نیمی از مقالات انتقادی هم به نقاط قوت و هم به نقاط ضعف مطالعات پرداخته شده و در ۴۳/۱ درصد یا فقط به ذکر نواقص اثر پرداخته‌اند و یا فقط به نقاط قوت آن. بنابراین نتایج این بخش از مطالعه مؤید نظر صاحب‌نظران ایرانی در مورد مقالات انتقادی است. تقریباً هشتاد نفر از اندیشمندان طراز اول ایران، در مصاحبه عمیقی که نتایج آن در سال ۸۹ منتشر شده، بر این اعتقادند که بیش‌تر مقالات انتقادی بر کژی‌ها و کاستی‌های یک اثر تمرکز می‌کنند و به همین خاطر است که

نقد با بهانه‌جویی و ایرادگرفتن مترادف شده است. بنابه نظر علی‌اصغر خندان این نوع نقد مترادف با مغالطه ارزیابی یک‌طرفه قلمداد شده است. شاید این تصور پیش آید که بین نقد یک اثر توسط متخصصان و یا افراد غیرمتخصص، از یک‌سو، و نقدهای غیرعلمی یک‌طرفه و یا نقدهای متعادل، از سوی دیگر، ارتباط معناداری وجود دارد؛ یعنی نقدهای جانب‌دارانه و نامتعادل را فقط افراد غیرمتخصص می‌نویسند. درحالی‌که یافته‌های تحقیق چنین تفاوتی را نشان نمی‌دهند؛ بدین معنی که نقدهایی را که صرفاً متمرکز بر نقاط ضعف یا تنها معطوف به نقاط قوت‌اند هم صاحب‌نظران و هم افراد غیرمتخصص به یکسان انجام می‌دهند و میزان تخصص و سطح تحصیلات منتقد در نوع نقد او تأثیرگذار نیست.

نکته دیگری که در نقد یک اثر از اهمیت بسیاری برخوردار است پرهیز از نقد مؤلف به‌جای نقد اثر است؛ این که به ویژگی‌های شخصیتی و منش مؤلفان در مقالات انتقادی توجهی نشود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در دوسوم (۶۵/۱ درصد) از مقالات انتقادی به نقد مؤلفان پرداخته می‌شود. در این‌گونه نقدها، منتقد یا به تحسین و حتی ستایش‌های اغراق‌آمیز از مؤلف می‌پردازد و یا وی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. در تعداد کمی از مقالات، حتی مؤلف از سوی منتقد مورد توهین و دشنام قرار گرفته است.

هم‌چنین بین متخصص‌بودن یا نبودن منتقدان و نقد مؤلف رابطه و تفاوتی دیده نمی‌شود. بدین معنی که هم منتقدانی که عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه بوده‌اند و هم منتقدان با سطح تحصیلی پایین‌تر و به‌اصطلاح غیرمتخصص به یک‌میزان به نقد مؤلف پرداخته‌اند. به تعبیر علی‌اصغر خندان، در این‌جا مغالطه انگیزه و انگیزه و هم‌چنین مغالطه توهین صورت گرفته است.

بررسی روند تغییر در محتوای مقالات در سه دهه گذشته متغیر دیگر در بررسی حاضر بوده است. نقدشدن یا نشدن مؤلف از دهه اول به دهه دوم تقریباً به یک‌میزان افزایش یافته و از دهه دوم به سوم کاهش یافته است. هم‌چنین پرداختن یا نپرداختن به نقاط قوت و ضعف آثار نیز از دهه اول به دوم روند صعودی داشته و از دهه دوم به سوم کاهش یافته است. البته در دهه سوم پرداختن صرف به نقاط قوت یا نقاط ضعف آثار نسبت به مقالاتی که تعادل در آن‌ها رعایت شده است به میزان قابل‌توجهی (تقریباً ۱۵ درصد) افزایش داشته است.

یکی از ویژگی‌ها و قواعد اساسی نقد ارائه راه‌کار برای رفع کاستی‌ها و نواقص یک اثر است که بدون آن، نقد ناقص است و چیزی به‌جز ایرادگیری و قضاوت‌های جانب‌دارانه

نیست. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تنها در ۱۵/۵ درصد از مقالات انتقادی برای رفع نواقص کتاب‌ها پیش‌نهادهایی ارائه شده است و در بیش از سه‌چهارم نقدهای انجام‌شده اصلاح و رفع اشکالات کتاب‌ها مورد توجه نبوده است. همچنین لازمه نقد عمیق و توأم با دقت نظر لازم استناد به منابع معتبر است. در این صورت، زمینه اقناع هرچه بیش‌تر خواننده فراهم می‌شود. براساس نتایج تحقیق حاضر، در ۳۰/۹ درصد مقالات انتقادی به منابع معتبر استناد شده و در مابقی مقالات هیچ منبعی مورد استناد نبوده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که نقد کتاب‌های مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران تا رسیدن به نقدهای علمی و بی‌طرفانه هم‌چنان فاصله دارد و رقم قابل توجهی از مقالات انتقادی منتقدان ایرانی، اعم از متخصص و غیرمتخصص، بیش‌تر بر کاستی‌های یک اثر انگشت می‌گذارند و چندان توجهی به اصلاح و تکمیل اثر نقدشده ندارند؛ و به‌جای این‌که بیش‌تر به ارزیابی اثر پردازند به انتقاد یا تمجید از مؤلفان می‌پردازند.

پی‌نوشت

۱. مکتوبات انتقادی که به‌عنوان جامعه آماری این تحقیق معرفی شده‌اند تاکنون در هیچ منبعی به صورت مدون و یک‌جا منتشر نشده‌اند و نگارندگان این مقاله، با کوشش و صرف وقت بسیار، این نقدها را از منابع مختلف جمع‌آوری کرده‌اند.

پیوست

جامعه آماری تحقیق (عناوین مقالات انتقادی)

ردیف	نام نوشتار	نام نویسنده	محل انتشار
۱	جامعه‌شناسی قومیت در ایران	بدون نام	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت ۷۹)
۲	نظریه دولت مطلقه در ایران (نقد نکته‌ای از کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران»)	حسین قاضی‌مرادی	کتاب پویایی نقد، چاپ اول (۱۳۹۴)
۳	مدرنیته و مواجهه فکری ایران با آن	محسن علوی‌پور	پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۴ (مهر و آبان ۹۵)
۴	چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت	اکبر اشرفی	فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۲، (۱۳۸۲)
۵	کندوکاوی روش شناختی در کتاب جریان‌شناسی سیاسی در ایران	عباس خلیجی	پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۲ (تابستان ۹۲)
۶	مشروطیتی که نبود	مصطفی رحیمی	سیاسی - اقتصادی شماره ۱۴۳ و ۱۴۴ (۱۳۷۸)
۷	سرمشق آشفته توسعه نابه‌سامان	سیدحسین سراج‌زاده	کتاب ماه علوم اجتماعی (آذر ۱۳۷۸)
۸	پیشینه و مبانی تحزب در ایران و اسلام	علی مؤمنی‌راد	کتاب ماه علوم اجتماعی (مهر و آبان ماه ۱۳۷۹)
۹	جامعه ایران و جامعه‌شناسی سیاسی و ایدئولوژی‌زده	روح‌الله اسلامی	برگرفته از سایت برهان
۱۰	گامی ارزشمند به سوی بومی‌سازی جامعه‌شناسی ایران	سیدمحمد میرسنده	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی ماه ۱۳۷۸)
۱۱	بحران‌های گذشته و چالش‌های فراروی جنبش دانشجویی	علی عنایتی شبکلاهی	کتاب ماه علوم اجتماعی (مرداد و شهریور ۱۳۷۹)
۱۲	جنبش دانشجویی و تحولات ایران	علیرضا ملائی توانی	کتاب ماه علوم اجتماعی (مهرماه ۱۳۸۱)
۱۳	اختلال در نظام هنجاری	محمدرضا کلاهی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ماه ۱۳۸۲)
۱۴	نیم‌نگاهی بر اندیشه زمان	علیرضا شجاعی زند	کتاب ماه علوم اجتماعی (آبان و آذر ماه ۱۳۸۲)
۱۵	نقد کتاب «مردم در سیاست ایران»	علیرضا ازغندی و حسین آبادیان	سایت فیبوس
۱۶	معرفی و نقد کتاب علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران	مهدی امینیان	نشریه زمانه (۱۳۸۸)
۱۷	«قبله عالم»: ژئوپولیتیک ایران	بیژن اسدی	فصل‌نامه نخبورمیانه، ش ۲ (پاییز ۱۳۷۳)
۱۸	«ریشه‌یابی» یا «ریشه‌تراشی»	احمد سیف	تاریخ معاصر ایران، ش ۵ (بهار ۷۷)
۱۹	نقد کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران	حسین بشیریه	سیاسی و اقتصادی، ش ۱۷۲-۱۷۱ (۱۳۸۰)
۲۰	دولت و توسعه: نقد و بررسی کتاب «توسعه دولت محور»	بدون نام	فصل‌نامه سیاست، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۸)
۲۱	نقد اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضاشاه	سعید برزین	کلک، ش ۱۱ و ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۶۹)
۲۲	دگرگونی اجتماعی در ایران	عباس میلانی	ایران‌شناسی، ش ۲۱ (بهار ۱۳۷۳)

۱۷۶ درآمدی بر تحلیل محتوای مکتوبات انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران

۲۳	نخبگان تأثیرگذار	معصومه علی اکبری	جهان کتاب، ش ۶ و ۷ (شهریور و مهر ۱۳۹۳)
۲۴	تاریخ پژوهی احمد اشرف	محسن لطف آبادی	نخردنامه، ش ۱۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)
۲۵	معرفی و نقد کتاب «ایران بین دو انقلاب»	بدون نام	فصل نامه علمی - پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی (بهار ۱۳۸۱)
۲۶	پویایی فکری ایران با مدرنیت	حجت کاظمی	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت ۱۳۸۴)
۲۷	نقد «سنت و مدرنیسم»	فرزانه خونگرم لاله	کتاب ماه علوم اجتماعی (خرداد ۱۳۷۷)
۲۸	آیا مدرنیته در ایران به بن بست رسیده است؟	نعمت الله فاضلی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ۱۳۸۲)
۲۹	تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر	میثم موسایی	کتاب ماه علوم اجتماعی (اسفند ۱۳۷۷)
۳۰	زبان و نابرابری جنسیتی	افسانه کمالی	کتاب ماه علوم اجتماعی (شهریور ۱۳۸۳)
۳۱	نقد و بررسی کتاب: برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران	حسین تبریزیا	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی ۱۳۷۷)
۳۲	بازخوانی نظریه انحطاط	محمد منصورنژاد	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی ۱۳۸۳)
۳۳	۱۵۰ سال مشارکت سیاسی ایرانیان بر سبیل تحلیل	بیژن خواجه‌نوری	کتاب ماه علوم اجتماعی (اسفند ۱۳۸۲)
۳۴	اصلاحات پرونزا و پانزدهم خرداد	ابراهیم صالح آبادی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ۱۳۸۲)
۳۵	جامعه‌شناسی نخبه‌کشی در مطبوعات	چندین نفر	کتاب ماه علوم اجتماعی (بهمن ۱۳۷۷)
۳۶	نقد و بررسی کتاب مقاومت شکننده	عباس میلانی	ایران‌شناسی (۱۳۷۳)
۳۷	جامعه‌شناسی نخبه‌کشی یا نخبه‌کشی در جامعه‌شناسی	احمد فعال	کتاب ماه علوم اجتماعی (بهمن ۱۳۷۷)
۳۸	تحلیل اندیشه دکتر صادق زیباکلام در باب توسعه با تمرکز بر نقد و بررسی کتاب «ما چگونه ما شدیم»	حسین مینایی، ابراهیم حاجبانی، محمدرضا یاورزاده	واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان، (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳)
۳۹	گزارشی از اولین و دومین جلسه نقد و بررسی کتاب «ما چگونه ما شدیم»	دکتر حسین مهدوی و جمعی از محققان	فرهنگ و توسعه، ش ۲۰ (آبان ۱۳۷۴)
۴۰	هیچ کس را غسل تعمید ندهیم: نقد آقای دکتر سعید زیباکلام	بدون نام	روزنامه سلام (۵ و ۸ آذر ۱۳۷۴)
۴۱	انکار مدعی (نقد نکته‌ای از مقدمه‌ی کتاب «جمال قدیم و جدید»)	جواد طباطبایی	روزنامه شرق (۱۳۸۴)
۴۲	حیرت‌انگیزی «نظریه انحطاط ایران»	جواد طباطبایی	مجله ناه، ش ۴۸ (خرداد و تیر ۱۳۹۳)
۴۳	امنیت اقتدارگرا - امنیت دموکراتیک: نقدی بر یکی از آرای ماشاءالله آجودانی در کتاب مشروطه ایران	حسن قاضی مرادی	کتاب پویایی نقد، چاپ اول (۱۳۹۴)
۴۴	امر به «آزادی» نقد نکته‌ای از «مشروطه ایرانی»	ماشاءالله آجودانی	روزنامه شرق (مرداد ۱۳۹۳) نویسنده: حسن قاضی مرادی
۴۵	آسیب‌شناسی نظام علمی ایران	محمد فاضلی	کتاب ماه علوم اجتماعی (مرداد و شهریور ۸۱)
۴۶	ضعف مفرط نظری در کتاب «جامعه‌شناسی ایران»	حامد حاجی حیدری	سایت خبری تحلیلی بوئن نیوز (مرداد ۹۳)
۴۷	نقد و نظری بر کتاب «مشروطه ایرانی»	صادق شکیب	سایت اخبار روز (مرداد ۹۴)
۴۸	اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران	محمد کردزاده کرمانی	فصل نامه مطالعات خاورمیانه، ش ۱ (بهار ۸۱)

غلامرضا محمدی مهر و مجید توسلی رکن آبادی ۱۷۷

۴۹	استبداد هرج و مرج طلبی است (نقدی بر تبیین محمدعلی کائوزیان از تحولات سیاسی تاریخ ایران)	حسن قاضی مرادی	کتاب بویایی نقد، چاپ اول (۱۳۹۴)
۵۰	اصلاحات ارضی و نگرش سیاسی روستاییان	مصطفی ازکیا	کتاب ماه علوم اجتماعی (مهرماه ۱۳۸۱)
۵۱	کتاب «رفیع پور» توصیفی - انتقادی اما تبیین و راهکارش سیاسی است	مهرداد امین قانع‌راد	سایت خبری مهرنیوز (مهر ۱۳۹۴)
۵۲	ریشه‌ها و نتایج انقلاب ایران	مصطفی مهرآئین	پژوهشنامه متین، ش ۳۳، ۱۳۸۵
۵۳	شکندگی‌های «مقاومت شکننده» (بررسی و نقد نظریه پردازی «جان فورن» درباره انقلاب اسلامی ایران)	ابوذر مظاهری	مجله آموزه، ش ۷ (۱۳۸۸)
۵۴	گزارش و نقد کتاب «ایران بین دو انقلاب» یرواند آبراهامیان	احمد رهدار	مجله آموزه، ش (۱۳۸۸)
۵۵	بررسی و نقد کتاب ما چگونه ما شدیم	اسماعیل قدیمی	فصل نامه نقد کتاب، ش ۱۰ (تابستان ۹۵)
۵۶	نقد کتاب مشروطه ایرانی	مسعود سفیری	سایت (تابستان ۸۳)
۵۷	نقدی بر «مشروطه ایرانی» ماشاءالله آجودانی و استبداد اگر امان دهد، بزرگ‌ترین سد راه تحول اسلام برداشته شود	ن کیانی	سایت اینترنتی راه نوده
۵۸	روایتی از فرهنگ سیاسی ایران	علی مرشدی‌زاد	کتاب ماه علوم اجتماعی (آبان و آذر ۸۱)
۵۹	بازسازی مفهوم فئودالیسم ایرانی	عباس کشاورزشکری	کتاب ماه علوم اجتماعی (مهر ۸۱)
۶۰	تأملی بر مسئله بحران علم در ایران	فاطمه جواهری	کتاب ماه علوم اجتماعی (مرداد و شهریور ۱۳۸۱)
۶۱	نگرش‌ها و رفتارهای ایرانیان	افسانه کمالی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ۱۳۷۹)
۶۲	بازی سیاسی بر سر مرزهای ایران	علی مرشدی‌زاد	کتاب ماه علوم اجتماعی (مرداد و تیر ۷۹)
۶۳	دگرگونی اقتدار در جمهوری اسلامی ایران	امیر عظیمی دولت‌آبادی	کتاب ماه علوم اجتماعی (شهریور و مهر ۸۲)
۶۴	نخچه‌کشی جامعه‌شناسی	احمد سیف	جهان کتاب: ش ۲۱ (آذر ۷۷)
۶۵	نگاهی انتقادی به کتاب نخجنگان سیاسی ایران	بدون نام	۱۵ خرداد، ش ۲۳ (بهار ۱۳۸۹)
۶۶	جامعه مدنی و دولت	نرگس نیک‌خواه قمصری	کتاب ماه علوم اجتماعی (شهریور و مهر ۸۲)
۶۷	روشن‌فکران ایرانی و غرب	معصومه علی‌اکبری	گفتگو، ش ۲۴ (تابستان ۷۸)
۶۸	ایرانیان و اندیشه تجدد	جمشید بهنام	فصل نامه مطالعات ملی، ش ۱ (۱۳۸۵)
۶۹	سرگذشت احزاب دولتی در ایران	غلامرضا خواجه‌سروی	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت ۷۹)
۷۰	رشد و زوال جنبش کارگری در ایران	موسی سلیمی	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت و مرداد ۸۲)
۷۱	چرا ما نشدیم؟	عبدالحسین آذرنگ	تابستان ۱۳۷۴
۷۲	آناتومی جامعه	فاطمه جواهری	کتاب ماه علوم اجتماعی (آبان ۱۳۷۸)
۷۳	جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران	بدون نام	کتاب ماه علوم اجتماعی (آذر ۱۳۷۸)

۱۷۸ درآمدی بر تحلیل محتوای مکتوبات انتقادی مرتبط با مسائل سیاسی - اجتماعی ایران

۷۴	ارزیابی و نقد کتاب طبقه متوسط	محمد امیر احمدزاده	پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲ (تابستان ۱۳۹۴)
۷۵	بررسی و نقد کتاب تجدد ناتمام روشن‌فکران ایران	مقصود رنجبر	پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲ (خرداد و تیر ۱۳۹۵)
۷۶	جامعه‌شناسی احزاب	علی عنایتی شبکلائی	کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۷ (پاییز ۷۷)
۷۷	فرهنگ سیاسی و روشن‌فکران ایرانی	حسینعلی نوذری	تاریخ معاصر ایران، ش ۷ (پاییز ۷۷)
۷۸	توطئه‌یابی یا توطئه‌پنداری؟ «افراطیون و انجمن‌ها به روایت آدمیت»	بدون نام	تاریخ معاصر ایران، ش ۳ (پاییز ۷۶)
۷۹	جامعه‌کلنگی یا جبری‌گری وضعیت تنوری تاریخی	مهدی جامی	سایت اینترنتی رامک، تابستان ۹۵
۸۰	گزارش و نقد کتاب توسعه و تضاد		فرهنگ پژوهش، ش ۴ (پاییز ۱۳۸۸)
۸۱	نقد و بررسی کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران	احمد دوست‌محمدی	نشریه قیسات، ش ۴ (۱۳۷۶)
۸۲	رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در صد ساله اخیر	فرامرز میرزازاده	کتاب ماه علوم اجتماعی (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴)
۸۳	روایت تاریخ با عینک تجدد	امیرحسین ترکش‌دوز	علوم اجتماعی، ش ۱۰۳-۱۰۵ (اردیبهشت، تیر، و مرداد ۱۳۸۵)
۸۴	نقدی روش‌شناختی بر تبیین استبداد	حسینعلی قجری	کتاب ماه علوم اجتماعی (اسفند ۸۳)
۸۵	بازنگری در میثاق مشروطه	نقی دادرسی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی ۱۳۸۳)
۸۶	رضاشاه، دولت استبدادی، و نیروهای اجتماعی	مسعود آریایی‌نیا	کتاب ماه علوم اجتماعی (مرداد ۱۳۸۳)
۸۷	جامعه مدنی و انقلاب در ایران	بدون نام نویسنده	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ۸۲)
۸۸	چرا هویدا استعفا نکرد؟	داریوش اخوان‌زنجانی	سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۵-۱۶۶ (تیر ۱۳۸۰)
۸۹	جامعه سیاسی ایران (تأملی در یک تحلیل)	جعفر برمانی	کتاب ماه علوم اجتماعی (دی و بهمن ۸۲)
۹۰	بومی‌گرایی و روشن‌فکری	مهدی صفار دستگردی	کتاب ماه علوم اجتماعی (خرداد و تیر ۱۳۷۸)
۹۱	نگاهی دیگر بر جامعه‌شناسی نخبه‌کشی	محمد رضا جوادی یگانه	کتاب ماه علوم اجتماعی (بهمن ۷۷)
۹۲	دییچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران	سهیلا ترابی فارسانی	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت ۱۳۸۳)
۹۳	تحلیل جایگاه نظریه انحطاط اندیشه سیاسی در فضای روشن‌فکران ایران معاصر از منظر سیدجوادی طباطبائی	غلامعباس توسلی، مریم یارمحمدتوسکی	پژوهش نامه علوم اجتماعی، ش ۳ (پاییز ۸۷)
۹۴	نگاهی انتقادی به آرای همایون کاتوزیان/ منظور از جامعه کلنگی چیست؟	ناصر صدقی، محمد بهرامی	سایت اینترنتی (تیر ۱۳۹۵)
۹۵	نقد و بررسی کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران	حسین بشیریه	اندیشه تقریب، ش ۱۸ (۱۳۸۸)
۹۶	بررسی کتاب تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)	عبدالکریم مشایخی	کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (اسفند ۱۳۸۰)
۹۷	درنگی بر آرای همایون کاتوزیان	محمد صادقی	روزنامه شرق

غلامرضا محمدی مهر و مجید توسلی رکن آبادی ۱۷۹

۹۸	معرفی و نقد کتاب نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی ایرانیان	عباس یزدانی	فصل نامه سیاست خارجی، ش ۴ (تابستان ۱۳۸۲)
۹۹	نقدی بر کتاب عقلا نیت و توسعه یافتگی ایران	بدون نام نویسنده	پایگاه اطلاع رسانی سازمان بسیج دانشجویی اینترنت
۱۰۰	نقد گونه رضاقالی بر کتاب جامعه شناسی نخبه کشی	علی رضاقالی	کتاب ماه علوم اجتماعی (بهمن ۷۷)
۱۰۱	نقدی بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نگرشی فرمالیستی و تقلیل گرایانه	عباس منوچهری	ماه نامه علوم انسانی مهرنامه، ش ۲۱ (اردیبهشت ۱۳۹۱)
۱۰۲	دشواری های اساسی محمود سریع القلم در تبیین مسائل و تجویز سیاست (کتاب عقلا نیت و آینده توسعه یافتگی ایران)	مجتبی قلی پور	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۳	دشواری های اساسی محمود سریع القلم در تبیین مسائل و تجویز سیاست (کتاب اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار)	مجتبی قلی پور	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۴	دشواری های اساسی محمود سریع القلم در تبیین مسائل و تجویز سیاست (کتاب فرهنگ سیاسی ایران)	مجتبی قلی پور	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۵	تأملی انتقادی در چارچوب مفهومی اقتدارگرایی ایرانی	محمودرضا مقدم شاد	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۶	دغدغه، امتیاز، و کاستی های کتاب اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار	سلمان صادقی زاده	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۷	مدعیات اقتدارگرایی ایرانی و سنجنش روایی آن ها	حسین مهدیان	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۸	بررسی کتاب اقتدارگرایی ایرانی از منظر مسئله ساختار - کارگزار	سیدمرتضی فتاحی	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۰۹	نقد اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار از منظر روش شناسی	طیبه دومانلو	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۱۰	نقدی بر اندیشه دکتر محمود سریع القلم در بحث توسعه	مریم اسماعیلی فرد	سایت اینترنتی انجمن علوم سیاسی ایران
۱۱۱	نفت و امنیت جمهوری اسلامی ایران	قدیر نصری	فصل نامه مطالعات خاورمیانه، ش ۲ (تابستان ۸۲)
۱۱۲	نظریه استبداد ایرانی، نظریه ای در باب منطق تاریخ و جامعه ایرانی	غلامرضا گودرزی	کتاب تجلد ناتمام روشنفکران ایران (۱۳۸۹)
۱۱۳	نظریه استبداد ایرانی نظریه ای در باب منطق تاریخ و جامعه ایرانی	غلامرضا گودرزی	کتاب تجلد ناتمام روشنفکران ایران (۱۳۸۹)
۱۱۴	دفاع از حریم جامعه شناسی	محمد رضا مهاجر	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰)
۱۱۵	مواجهه ما با غرب	سیدرضا شاکری	کتاب ماه علوم اجتماعی (اردیبهشت ۷۹)
۱۱۶	نقد کتاب بحران دموکراسی در ایران	ناصر ایرانی	کتاب بحران دموکراسی در ایران و دوازده مقاله دیگر (۱۳۷۱)
۱۱۷	نقدی بر کتاب فرهنگ سیاسی ایران، نوشته دکتر محمود سریع القلم	ژند شکبی	سایت اینترنتی فردانویز (اردیبهشت ۸۷)
۱۱۸	نقدی بر کتاب قبله عالم - ژئوپولتیک ایران	کاظم رنجبر	سایت اینترنتی ایران لیبرال (۱۳۹۳)

۱۱۹	نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی ایرانیان	عباس یزدانی	فصل‌نامه سیاست خارجی، ش ۴، (زمستان ۱۳۸۲)
۱۲۰	نقد کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی	اخوان کاظمی / علی رضاقلی	سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۸)
۱۲۱	تاریخ ایران مدرن	مجید توسلی رکن‌آبادی و رضا نجف‌زاده	نقدنامه علوم سیاسی (۱۳۹۰) (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
۱۲۲	مدرنیته ایرانی، روشن‌فکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران	مجید توسلی رکن‌آبادی و رضا نجف‌زاده	نقدنامه علوم سیاسی (۱۳۹۰) (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
۱۲۳	تأملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران، مبانی نظریه مشروطه‌خواهی	مجید توسلی رکن‌آبادی و رضا نجف‌زاده	نقدنامه علوم سیاسی (۱۳۹۰) (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

کتاب‌نامه

- اوجبی، علی (۱۳۸۹). *عیار نقد* (دفتر دوم)، تهران: خانه کتاب.
- بارت، رولن (۱۳۹۵). *نقد و حقیقت*، ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان، تهران: نشر مرکز.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۵). «تجزیه و تحلیل محتوا، نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد»، تحقیقی در علوم انسانی، ش ۱، معاونت پژوهش دانشگاه علامه.
- بلزی، کاترین (۱۳۹۳). *عمل نقد*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- پرهام، سیروس (۱۳۸۶). «شیوه انتقاد کتاب»، در *کتاب نقد و نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۴). *درس‌گفتارهای فلسفه سیاسی نقد چیست؟* تهران: مؤسسه سیاسی - اقتصادی پرسش.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و نجف‌زاده، رضا (۱۳۹۰). *نقدنامه علوم سیاسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۰). «معرفی اجمالی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، در *نقدنامه علوم سیاسی*، مجید توسلی رکن‌آبادی، و رضا نجف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خندان، علی اصغر (۱۳۹۵). *مغالطات*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸). «اصول، نتایج و گونه‌های نقد»، در *عیار نقد*، به‌کوشش علی اوجبی، تهران: خانه کتاب.
- رایف، دانیل و دیگران (۱۳۸۱). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: سروش.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). «نقد و ناقد»، در *کتاب نقد و نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰). *آشنایی با نقد ادبی*، چاپ ششم، تهران: سخن.
- سامانه نقد نقد (۱۳۹۶). *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* www.shmoton.ir

غلامرضا محمدی مهر و مجید توسلی رکن‌آبادی ۱۸۱

شریعتمداری، علی (۱۳۸۶). «انتقاد کتاب»، در کتاب *نقد و نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.
فوکو، میشل (۱۳۹۳). «نقد چیست؟» در *تئاتر فلسفه*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
فولادی، علیرضا (۱۳۸۹). «نقد در موقعیت پست‌مدرن»، در مجموعه مقالات *عیار نقد*، دفتر دوم، به‌کوشش علی اوجبی، تهران: خانه کتاب.
محمدی، سایر (۱۳۸۹). *نقد نقد*، تهران: خانه کتاب.
منصوربخت، قباد (۱۳۸۷). «مسئله تحقیق، مسئله اصلی تحقیق»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۵۸.

Vogelmann, Frieder (2016). 'Measuring, Disrupting, Emancipating, Three pictures of critique' *Constellations*, V. 00, No. 0.